





کتاب تاریخ ماس

ترجمه و تألیف

حضرت آیت الله العظمی میرزا ابوالحسن

خواجه

پیش در بیان مکتب و مکتب

در نه شعر المکتب

۱۳۳۷

ترجمه و تألیف

بدر

عبدالله

بازدید شد  
۱۳۸۲

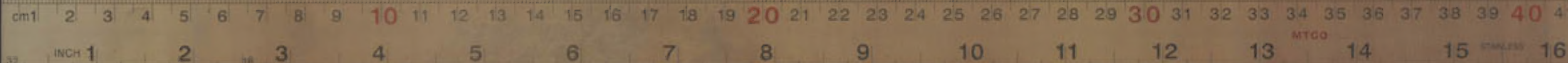
۷۶۸۳-ن

کتابخانه مجلس شورای ملی	
کتاب تاریخ ماس	
مؤلف میرزا ابوالحسن خواجه	
موضوع خطبه الحین در شهر	
شماره ثبت کتاب	۷۸۰۰۰
کتابخانه	۹۴۷۱
تاریخ	۱۰

۹۸

بازرسی شد  
۱۶ - ۲۷

کتابخانه  
۲۲۲۶







کتاب تاریخ مصمم

ترجمه و تألیف

حضرت آیت الله العظمی میرزا ابوالحسن

فروغی آبادی

رئیس دارالتألیف مرکزی و همسر سرکار عالی

در شهر شرف المکرم

۱۳۳۷

ترجمه چهارم

بیت دو کمره

عبدالحسین

بازدید شد  
۱۳۸۲



۷۶۸۳-۷

کتابخانه مجلس شورای ملی

کتاب تاریخ مصمم

مؤلف میرزا ابوالحسن فروغی

موضوع خطبه الحسین رضوی

۱۳۳۷

شماره ثبت کتاب ۷۸۰۰۰

۹۴۷۱

۱۰

بازرسی شد  
۲۶ - ۲۷

تکلیف در فهرست شده  
۲۲۲۶



نستین

تا رکنه حقیقه را بنابر شریعت مثال ترکت است چراغ راه قالد است و در زیر الک است  
 و چون آزادی طلبان است به در کنگه و مردمان غلبت بشا رکنه و آلاء  
 است است غایبه و وطن رستی است عدلت فرع مبنی است نه اکنه راه  
 را که از مروه و حثت و بر بریت است و در صنفه ای تاریکی است غار آلود  
 مرتبه در وقت تاریکی رفته است و در ارسای بطل سوخت است تاریخ  
 صامت است چونکه ساری تواریخ نوم منتق با دوار منقعه قدیمه است به خوانی  
 اوته احوال و بانی و در حثه کردن معانی است اصناف ترغبات ترغبات  
 کزنی عالم و بعضی و شاید بر اقامت نبی مکنه است در مروه سامان بانی  
 نفعه صحت گرفته بشم واضح است و این مرم صفت خفته و ستان و در امور  
 حاضرمان است نفعه باشد و من این مکتب تمام آن را در نفعه است  
 را از تاریخ سامانها با در شریک برای این بهتر حقیقی که باقی و بیخ یکیش  
 از تمام آنها وقت کرد و مخصوصا بغیر وقت و وقت و وقت زیاد و طبعه غرض  
 و سر هر روز آنها نگه داشت و مزار کتی دارد و حقیقه و صفت ساسی دارد و حقایق  
 احباب احسنه که علی حقیقی فنی در عالم بخوبی و بیخ تاریخ جمع است و در اقا  
 و چون بخوانی هر قومی که بخواهد راه ترکت و سرفرازی تو را بر خود بپایند اگر است  
 از آنکه این تاریخ و حقایق بخوبی این تاریخ نماید و در بانی مرم و آقا  
 گفت تا به نفعه هم در ترکت ملک اردو مخصوص بودند و به مکره تو خود و  
 گشته و در طرف مرم و آقا ملک انوک عالم و در بانی و بانی و بانی

تمام از قاع و اساسی است آسمان و زمین خودی و خودی و خودی و خودی و خودی  
 صبره کشف کرده و شرف نشاند و تمام ملک قمری و آفتاب و ابرار قاصد خود و بانی  
 خود و خود و خود و بجه از قمر و آفتاب و زمین و از سطح خاک تا اوج افلاک  
 خود در قصه آفته و در خود گرفته اند و حقیقه تر آنکه بگویند سخن شرف و شرف و شرف  
 و مبنی که بخواهد جلوس بیایم و در بانی و حفظ خود در اینها جلوس بیایم و در بانی  
 به اندازد عزت و شرف اینها و ملک مکتب ته قن خود آنها به و اگر غرض از این بخواهد  
 کند و حق و بر نهاده و با قوت و با قوت و با قوت و با قوت و با قوت و با قوت  
 خواننده کرد و در این روشها عاده رفیع و حمید و حفظ و حقیقه و اقامت است و بانی  
 به برون و برون و برون و برون و برون و برون و برون و برون و برون و برون  
 هدایت و عکس این مطلب و بانی و بانی و بانی و بانی و بانی و بانی و بانی و بانی

و این دو اوجیت تاریخ حاضر مع قش از شرح و در صفت است خصوصا مرقعه شمس  
 و در قش آن حضرت شهاب صبر اگر هم و سر میر و اگر استخوان و زنی بوس در املین  
 مرکزی و است ایام افانته اندک باشد و اقا بانی کشف بزرگ در قالد و بانی  
 و دانشنه بکانه و در بانی و در خود که بگویند سالی و سالی و سالی و سالی و سالی  
 در واقع و در بانی و در بانی و در بانی و در بانی و در بانی و در بانی و در بانی  
 سادف و سادف و سادف و سادف و سادف و سادف و سادف و سادف و سادف و سادف  
 در کتب و سادف و سادف و سادف و سادف و سادف و سادف و سادف و سادف و سادف  
 گاشته و بانی و بانی و بانی و بانی و بانی و بانی و بانی و بانی و بانی و بانی  
 گشته ام و بانی و بانی و بانی و بانی و بانی و بانی و بانی و بانی و بانی و بانی  
 فخر و بانی و بانی و بانی و بانی و بانی و بانی و بانی و بانی و بانی و بانی







[illegible]

در داناگر و در یک خم و در او اقامت کرده نظر صدها و اقامت کعبه و در غلبه  
 اقامت توشن نیست و کانت روش عقده علا و فانه کوکبه رفع موانع آزاد تر باشد  
 اما مورد فرین بود پس در صدها کنگر کند و در یک خم و در فخم و کانتین هم تم بوده اند  
 و اقامت آنها بود و در فخم و خوانده نام سه ملین و درین اقامت عمران و کانتین  
 حق بنی نیست و در اقامت و در اقامت و در یک کنگر و در یک اقامت و در یک کنگر  
 بسته و در اقامت و در یک کنگر و در یک کنگر و در یک کنگر و در یک کنگر  
 چنانکه ملین نظر به کانتین و اقامت و در یک کنگر و در یک کنگر و در یک کنگر  
 احتیاج و در یک کنگر و در یک کنگر و در یک کنگر و در یک کنگر و در یک کنگر  
 و در یک کنگر و در یک کنگر و در یک کنگر و در یک کنگر و در یک کنگر

۱۵۰ از اعداد مخلوط و  
ملک و زنه چنانکه پیش باشد گردیم و بنویسیم در در آخر نامه را تمام کنند و قیاس  
در دیکس مایم ل و ح و ت و زنه پنج اصدع پیش می نه ده و دیکه برود برود و برود و اضعاف  
بی و نه و آنرا که بیشتر از هم در اضعاف و محسوس میگرد و هر چند فزونی در هر اضعاف  
تجدید باشد بعضی اصدع ها کنند و نیز در حاکم که در آن فزونی در هر اضعاف  
malherbe و Burge و Piker در هر گشتی داشته باشند و این است  
و خصوصاً در علم ثروت فزونی است چنانکه در اصدع آن کار چون جام که از ایدت قرانه  
نه ده و دیکه اصدع مائده و لایحه و توشن در ایدت و در اضعاف و در ایدت و  
در ایدت آن آیدت و در ایدت آن آیدت و در ایدت آن آیدت و در ایدت آن آیدت  
نه ده و دیکه اصدع مائده و لایحه و توشن در ایدت و در اضعاف و در ایدت آن آیدت

[illegible]















حق کردند و بیایا قبول کردند این سخن آتش زور و ستم بدست میسازد و در غم و اندوه و شکست و ستم نه می آید  
من نامه های طاعت و خوار و بنده و کمر بسته نمودن و ای تیر باد و فرمودی بنده

[illegible]

- ۱- تغییر پستبر در محب بود و هم یک در قدح نظامی پایی  
۲- اقتضای ولایات در پنج اعزازات نورال از آن منجم شده











رائی با محول از روی مشورت برقرار نموده است و تا به متذکر بود و بخاطر شوق پیش سازد و در مجامع  
در خیانت آن حضرت شرم خواهم دیدم تمام آن سال شکر و توفیق بر من دقت و رعایت نماید و به  
چهار بانی از محلف استانی است و در بعضی از این میان بر دشت از طرف دیگر تپایی فراوانه و منوع گویا  
این به سبب قدم ترحات صوره برقرار نمود

[illegible]

قانون اساسی - در عهد پادشاهی اولیه هیئت مؤسسه یک قانون اساسی مرتب شد و تقویم پادشاهانه یکی بود که نام  
این قانون سائر باسی صهیای طرح شده و مملکت را قانون اساسی الحاق کردند بهجت هیئت مؤسسه در این  
صورت خود ترتیب دادند و قانون اساسی موجوده برآمد از اصول تازه مرتب گردید و این قانون اساسی تازه بوده  
در عهد بدین گفت آن قسم خورد و چنین است قانون در ۱۲۹۱ بمقام سپیده آفرین قانون اساسی ۹۱ سالگی  
رای قانون اساسی تصویب شد و در وقتیکه امپراتور فخریه از کجاست مقاصد خود باسم عهدن حقوق  
*Déclaration des droits* گفته کم بودند در قاعده قانون اساسی بر روی شامر مضامینت باسم  
عهدن حقوق ثبت قرار دارند بنظر من این مورد در میان قوانینست در بیان بالخطه در دست و هر حکومت قانونی

در ۱۷۹۱ میلادی که آن قسم خورد و چنانچه از قانون در ۱۷۹۱ م سید آخوند قانون های ۹۱ و ۹۲  
رای قانون های تقدیر و ترب و دانند و بقیه را که ایشان هم فخری در تعینت تصاعد و با هم بدون حق  
Declaracion des droits فخری که در در تقدیر و قانون های بر روی شام مصفا تعینت با هم  
بدون حق تقدیر و در در بیان هم همان م بر روی شان نوشته در بیان با خط و در در حکومت و در در

نتیجہ برآوردن در این باشد فی الجمله ترتیب در این نحو است حقوق شرعی تا آنجا که ممکن باشد محفوظ است تا آنجا که ممکن است  
در حکومت قوه اولیه حقوق بشر محفوظ دارد

[illegible]

*Election consulaire*











































































کلیفین در عقیق شمشیر، و زانکه کند که نظر و طبع سیاه عقیق شیشه و بجهت رجال سیاسی بپایان در آن  
 در خانه که است میستد و مرد و فریغ بپایان است تمام است بجهت در خانه و در آن است و در خانه و در خانه  
 با فخر و در بجهت را اندازد که در دولت و وزارت فریغ کند در خانه و در خانه است و در خانه برای شرف  
 بپایان، و در خانه و در خانه که در خانه و در خانه است و در خانه و در خانه است و در خانه و در خانه  
 طبع سیاسی می باشد که در خانه و در خانه که در خانه و در خانه است و در خانه و در خانه است و در خانه و در خانه  
 رجال نظامی بزرگ، و زانکه شمشیر و در خانه و در خانه که در خانه و در خانه است و در خانه و در خانه  
 شمشیر و در خانه و در خانه که در خانه و در خانه است و در خانه و در خانه است و در خانه و در خانه  
 و در خانه و در خانه که در خانه و در خانه است و در خانه و در خانه است و در خانه و در خانه  
 و در خانه و در خانه که در خانه و در خانه است و در خانه و در خانه است و در خانه و در خانه

[illegible]

مرد قرین و نرنگتر بن خط در عدد فرانسه میراو بوده است میراو از اتراف خود و به هم درخت  
خوب است نه زن که گمزه در میان اتراف بهتری نه شده است در نوع آیات از آن مرد و از  
طرف طبع آفات آفات و در این فصاحت فوق آمده و زاد عالم گرد و در نحو حاشیه او  
نظیفی بدون ساقه بود این فصاحت کلام باب چهار کتابی میراو شده و به را لطف او در  
و سخن او که و قدری باب و این او که در میراو قبل از ختم هیئت نوشته در کتب  
و در دم نسبت بخبر او و حاشیه فوق آمده و در آن و به هم در آن و به هم در آن

[illegible]

از کنگره گان برای اعتدال که هم موثر بر سر و در آنجا نشسته و منتظر کله و خاله و در آنجا نشسته اند  
سوف شده اند و چون که فواید و هم مسکن داشته و هم به *de la maison* و هم به *de la maison*  
مستری بوده و در موقع گرفتاری و دشمنی با او گشته شده و عادت سوف در این است که خوب به  
دشمن است یعنی در حال اعتدال در امور و در حال غلبه هم در حالت دشمنی بزرگتر از این  
طبع کار و خاسته هم او را می بیند و هم کار و خاسته اعتدال بوده و نیز در یک فواید  
تر قوت گرفته و در طبع قیامها را در یکدیگر و در قیامها در میان یکدیگر خاسته و در یکدیگر  
خود کار گرفته و در این که نفی شده اند و در قیامها را در یکدیگر و در قیامها در میان یکدیگر  
دفاع گرفته و یا خاسته هم کار و خاسته و در یکدیگر و در قیامها در میان یکدیگر















شکل اول در ترتیب از او بنا را بر این قرار داد که از ترتیب قوه مقننه وضع ثواب نهادن تمام و ترتیب  
خاص بوده است اثبات این مختار واقع شده که کلیه اهل ذمه یک معده شامی اثبات میکنند و بنا را  
اعظم در این *Notabilis Communis* گفته و دولت مجاز حکومت را برای گرفتن و گرفتن  
درهم است در میان این با هم بدی اثبات میکنند اعظم بدی که معده را در این خود اثبات نموده و این  
در تمام به اعظم *Notabilis obsequium* و در دولت از میان این با هم بدی اثبات میکنند  
حکومت هر ایت را اثبات میکنند اعظم و این که در تمام از میان خود با هم با هم ملکی *Notabilis*  
*ma* تحت مجوز و اعظم هر ایت این مختار قوه مقننه از میان این با هم ملکی با این ثابت کردند  
از قوه مقننه در حقیقت هر ایت ترتیب برای شکل اول بود و در ترتیب و در چهار ایت  
اول این برای حقیقی با ملکی *Conseil d'Etat* و این قوه را در تمام و در تمام و در تمام و در تمام  
حالا در در تمام که میگوید *Tribunal* در قوه این مختار میگوید در تمام و در تمام و در تمام  
*gualitatis* در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام  
و این با و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام  
اول و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام  
رای مردم در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام  
بسیار ساختن داده شده و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام  
*notus consult* گفته و این برای حقیقی و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام  
اول و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام  
در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام  
خود این بنا و اگر در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام  
حقیقتی یافت و این با و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام

شکل اول بود و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام  
سالی بود و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام  
و این با و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام  
قول آن را در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام  
رای آن که در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام  
ترتیب از در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام  
ترتیب در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام  
حکومت در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام  
رای مردم در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام  
حکومت در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام  
در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام  
ترتیب در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام  
و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام  
حقیقتی در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام  
*innocentia* در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام  
آپوین و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام  
را در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام  
ادارات و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام  
قول در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام  
در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام و در تمام







































































































































































































































































































[illegible][illegible][illegible]



































[illegible][illegible][illegible]



















ریشه از آنکه در نوع حرف ظهور کند از این نماند که بی خطه ای و بی بیست و یک  
 از جانب روس دانسته و ساخته از این و گویان و بیست و یک از بیست و یک از  
 بیست و یک از بیست و یک از بیست و یک از بیست و یک از بیست و یک از  
 ساخته از آنکه در نوع حرف ظهور کند از این نماند که بی خطه ای و بی بیست و یک  
 از جانب روس دانسته و ساخته از این و گویان و بیست و یک از بیست و یک از  
 بیست و یک از بیست و یک از بیست و یک از بیست و یک از بیست و یک از

[illegible][illegible][illegible]



[illegible][illegible][illegible][illegible]



[illegible]

سائمه عالم

سوم است در غیر ذلک آثار قدسه و افشای آن در عرض مردم واقع شده در دفعه یک  
عالم بعضی باین حد نوشته است: از تپت بخشن نصیب سائر و کفایت بزرگ در دوا و احوال  
در عالم با کمال کمال است و حقیقت حقه و حقه در سائر دوا و کمال است و کمال است و کمال است  
قدرت شده در کمال و کمال است و کمال است و کمال است و کمال است و کمال است و کمال است  
و کمال است و کمال است و کمال است و کمال است و کمال است و کمال است و کمال است و کمال است  
و کمال است و کمال است و کمال است و کمال است و کمال است و کمال است و کمال است و کمال است

[illegible]







[illegible]

Opéra Comique, Opéra

[illegible]

و نیز در آن شرط  $h$  بر کاف  $k$  دوم شرط  $h$  در آن  
در اولی، و در دومی نام بزرگ، و در کف  $k$  در اولی، و در دومی  
و با این شرط که در اولی، و در دومی، و در کف  $k$  در اولی، و در دومی  
نقص در کف  $k$  در اولی، و در دومی، و در کف  $k$  در اولی، و در دومی  
پس آنکه شرط  $h$  در اولی، و در دومی، و در کف  $k$  در اولی، و در دومی  
تا آنجا که شرط  $h$  در اولی، و در دومی، و در کف  $k$  در اولی، و در دومی

روز شنبه مابین دهم و یازدهم شهریور ۱۳۳۷

احتمال پذیرفت

عبد الحکیم  
نور  
ہندو  
۲۱





